

فرهنگ ازدواج در بستر ارزش‌های اسلامی

دکتر غلامعلی افروز

هنگامه ازدواج

با عنایت به اهمیت، ضرورت، ارزشمندی، حرمت، قداست، برکت، آرامش‌دهی و کمال‌بخشی ازدواج در دوران رشد و تحوّل، شایسته و بایسته آن است که هر انسان بالغی با احراز قابلیت‌های لازم، در اولین فرصت ممکن همسر مطلوب خود را انتخاب کند و بی جهت این امر مهم را به تأخیر و تعویق نیندازد.

باید توجه داشت که انتخاب کفو و زوج و بستن پیمان زوجیت و عقد ازدواج، مستقل از فرایند تشکیل خانواده و اداره زندگی جداگانه و مجزا و فرزندآوری است. ازدواج یک نیاز فطری و حق طبیعی هر دختر و پسر بالغی است که از نظر فکری، روانی، عاطفی و اجتماعی آمادگی لازم را احراز می‌کند.

به کلام و عبارت بهتر و روشن‌تر، در منظر تعلیمات اسلامی و بستر ارزش‌های الهی، هر

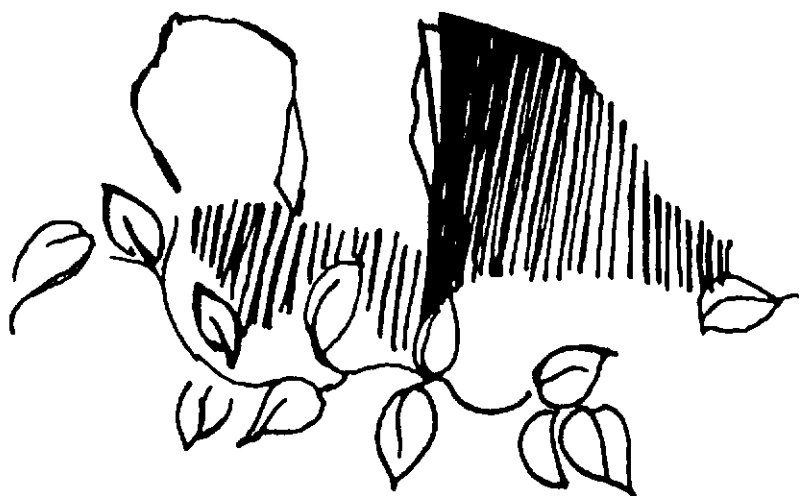


دختر و پسری که دوران بلوغ جنسی را تجربه می‌کند، با برخورداری از توان زیستی، بهره‌مندی از تعادل عاطفی و سلامت روانی، هوشمندی و رشد فکری، کفایت عقلانی، قدرت تشخیص، تعهد، شایستگی و مسؤولیت‌پذیری فردی و اجتماعی می‌تواند زوج خود را انتخاب کند و در ادامه حیات خویش با او همراه و همگام شود. این زوجیت پاسخ به طبیعی‌ترین نیاز فطری و روانی انسان است و این ازدواج تأمین‌کننده سلامت فکری و بهداشت روان و هموارگر مسیر پویایی و نشاط حیات و آرامش جان است.

بدیهی است که در جوامع بسیار پیچیده امروز که شاهد چالش‌های روزافزون فکری و فرهنگی هستیم، بسیار بعید است که افراد بتوانند در دوران رشد و تحول نوجوانی، ویژگی‌ها و قابلیت‌های زیستی، شناختی، عاطفی، روانی و اجتماعی برای ازدواج را احراز کنند. با اذعان به این واقعیت که تعیین سن تقویمی برای احراز کفایت‌های شخصیتی لازم برای ازدواج، به دلایل گوناگون از جمله تفاوت‌های فردی در زمینه‌های رشد جسمانی، تعادل عاطفی، ظرفیت هوشی و قدرت یادگیری، کسب تجارب مفید فردی، اجتماعی و فرهنگی، تربیت خانوادگی، بهره‌مندی از شخصیت‌الگوهای مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی، برخورداری از بیش‌قوی و جامع نسبت به مسؤولیت همسری و تعهدات اخلاقی، شرعی و قانونی بسیار دشوار است، به نظر می‌رسد بعضی از جوانان بعد از سن ۱۸، ۱۹ سالگی^۱ می‌توانند شایستگی‌های لازم برای آغاز زندگی مشترک را داشته باشند. البته در بعضی شرایط محیطی، فرهنگی و اجتماعی خاص و مناطق روستایی، برخی از جوانان، به ویژه

نکته مهم دیگر در مقوله آمادگی‌ها و شایسته‌های لازم برای انتخاب کفو و زوج و بستن پیمان ازدواج با همسری همراه و همدلی همراز این است که عامل اقتصادی نیز نمی‌تواند و نباید عامل بازدارنده در انتخاب زوج و برقراری زوجیت که یک نیاز فطری و روانی و حق طبیعی انسان‌هاست، باشد. همان‌گونه که جوانان آماده ازدواج در یک جامعه سالم، صرف نظر از این که شاغل باشند یا بیکار، تحصیل کرده باشند یا کم‌سواد، از وضع مالی خوبی برخوردار باشند و یا کم‌بضاعت و تهی دست باشند، شهری باشند یا روستایی، و... حق دارند به طور بایسته و شایسته از خدمات بهداشتی و درمانی جامعه برای پیش‌گیری از ابتلا به بیماری‌ها و یا درمان بیماری‌های جسمانی بهره‌مند شوند، مسلماً باید بتوانند برای پیش‌گیری از ابتلا به مشکلات فکری و ناراحتی‌های عاطفی و روانی و حفظ سلامت و

تقویمی مدنظر باشد باید به سن عقلانی، کفایت‌های فردی، بلوغ عاطفی، رشد و تعهدپذیری اجتماعی اندیشید.^۲



اگر فقیر و تنگدست هستند، نگران وضعیت اقتصادی نباشند، خداوند از فضل خود آن‌ها را بی‌نیاز می‌سازد و خداوند گشایشگر و آگاه است.^۱ در جامعه اسلامی ما، متأسفانه مهم‌ترین عامل بازدارنده ازدواج، کم‌توجهی و یا بی‌توجهی به این کلام عرشی و توصیه الهی و نگرش مادی‌گرایانه خانواده‌ها نسبت به امر مقدس ازدواج است. در حالی که اصل زوجیت، کفویت فکری، عقیدتی، اخلاقی و رفتاری داوطلبان ازدواج را می‌طلبد و نه تمکن مالی و تبار اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها و خویشاوندان ذی‌ربط را.

در فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، اگر پسر و دختر مجردی قابلیت‌های لازم برای پذیرش مسؤولیت‌های همسری را کسب کرده باشند، حق دارند در اولین فرصت ممکن زوج خود را بیابند و با او پیمان ازدواج ببندند. نداشتن شغل مهم و پول کافی، مسکن مستقل و اتوموبیل شخصی نمی‌تواند و نباید مانعی برای زوجیت باشد. خانواده‌های فهیم، پدران و مادران و اولیای

بهداشت روان و در مسیر تقید به ارزش‌های دینی و رفتارهای متعالی مذهبی و مصونیت در برابر آسیب‌های اجتماعی و کژروی‌های فرهنگی؛ زوج و تن پوش روانی - فطری^۲ و لباس مصونگر و آرامش بخش خود را انتخاب کنند و با او پیمان زناشویی ببندند. چرا که ازدواج نیازی فطری و تضمین‌کننده بهداشت روان و ایمنی بخش وجود آدمی از آسیب‌های اخلاقی و رفتاری و کژروی‌های اجتماعی است. خداوند منان نیز در قرآن کریم با تأکید بر ازدواج اشخاص مجرد و زوجیت دخترها و پسرهای داوطلب ازدواج می‌فرماید در امر ازدواج نگران بعد اقتصادی نباشید و توکل‌تان به خدا باشد. خداوند علیم و حکیم زمینه تأمین نیازهای اقتصادی و امکانات زندگی مشترکتان را فراهم می‌نماید^۳ و در این مورد تردیدی نداشته باشید: "وَأَنْكِحُوا الْيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِسَائِكُمْ إِنَّا يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ"^۴

"مردان مجرد و زنان مجرد و خادمین و خدمتکاران صالح و درستکاران را همسر دهید و

خانواده‌های مربوط و ضمن ادامه فعالیت‌های فردی و اجتماعی و حسن استفاده از امکانات بالفعل و بالقوه خانواده‌ها در جهت تحکیم زوجیت، با توکل به خداوند متان و امید به رحمت واسعة الهی و با هم‌فکری و همدلی در جهت تشکیل خانواده‌ای مستقل و مجزا تلاش می‌کنند و در راه نیل به موفقیت و رستگاری هیچ‌گونه تردیدی به خود راه نمی‌دهند. بدیهی است که اگر در این رهگذر از طرف خانواده دختر یا پسر زمینه تهیه مسکن مستقل فراهم باشد، شکل‌گیری خانواده مستقل زوج جوان سریع‌تر و آسان‌تر خواهد بود.



باید اذعان داشت که در غالب موارد به تعویق افتادن زوجیت دخترها و پسرهای با کفایت و واجد شرایط، عمدتاً به دلیل فقر فرهنگی است و نه فقر اقتصادی. مسائل اقتصادی زمانی بیش‌تر مطرح می‌شود و از موانع ازدواج به هنگام جوانان به شمار می‌آید که فقر فرهنگی و نگرش‌ها و بازخوردهای منفی و بازدارنده نسبت به ازدواج بر اندیشه‌ها و بینش‌های قشرهای مختلف حاکم می‌شود. به عبارت دیگر بسیاری از خانواده‌ها و جوانان ما آن گونه که باید از نگرش مثبت و بازخورد مولد نسبت به زوجیت برخوردار نیستند. از این رو وقتی که مسأله ازدواج در خانواده‌ها و در میان جوانان مطرح می‌شود، غالباً به جای این که به اصل ضرورت "زوجیت" بیندیشند، تصویری مبهم و کوهی از مشکلات و موانع در مقابل دیدگانشان مجسم می‌گردد و اصل زوجیت این ضرورت و نیاز فطری و روانی را با مسائلی همچون بنیه اقتصادی، تمکن مالی، تجهیزات فوق‌العاده زندگی، مهریه آن چنانی و مخارج هنگفت خرید طلا و جواهر، هدایا و

جوانان با کفایت، متعهد، مسؤولیت‌پذیر و آماده ازدواج نیک می‌دانند که اصل زوجیت مستقل از فرایند ازدواج است و آنچه یک جوان سالم، پویا و متعهد در جامعه اسلامی به آن نیاز دارد، شناخت و انتخاب زوج و همسری صالح، با کفایت و آرامش‌بخش است. زمانی که چنین انتخاب و ازدواج مقدسی انجام شد، چندان تعجیلی برای تشکیل خانواده مجزا و مستقل و فرزندآوری وجود ندارد. بدیهی است بعد از آن که دو جوان متعهد و داوطلب ازدواج، با اندیشه‌ای مولد و پویا و با تعهد و مسؤولیت‌پذیری به زوجیت یکدیگر درآمدند و پیاسخگوی نیازهای فطری و آراسته‌ترین لباس وجود هم شدند، تا فراهم شدن امکانات لازم، به گونه‌ای که برایشان مقدور و میسر است، با حفظ و استمرار روابط زیبای عاطفی، فطری و روانی خود، با همراهی و حمایت

آری، ازدواج جوانان در فرهنگ و ارزش‌های اسلامی بر کفایت‌های شخصیتی و صلاحیت‌های اخلاقی و تربیتی و البته حسن تأمین نیازهای فطری و روانی استوار است و نه صرف امکانات رفاهی و اقتصادی.

در این جا ذکر یک نمونه از امر ازدواج در عصر حضور پیامبر عظیم‌الشان اسلام، حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - می‌تواند زمینه‌ای برای بازنگری اندیشه‌ها و فرهنگ حاکم بر ازدواج جوانان در جامعه کنونی ایران اسلامی باشد.

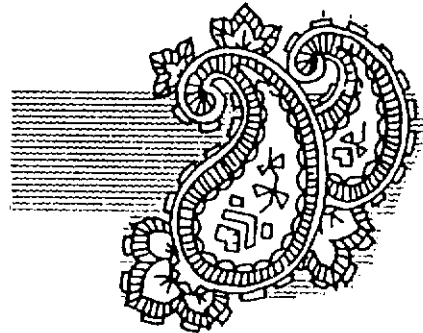
روزی رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در میان جمعی از یاران و پیروان خود حضور داشتند. زنی به خدمت پیامبر بزرگوار رسید و در حضور جمع عرض کرد: "ای رسول خدا، من آماده ازدواج هستم و هر آنچه را رسول خدا صلاح بداندند می‌پذیرم." قبل از آن که رسول خدا آمادگی این زن مؤمن را به برخی از یاران آماده ازدواج اعلام کند، مردی از اصحاب رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - برخاست و عرض کرد: "ای رسول خدا، من آماده‌ام که با این خانم ازدواج کنم." رسول خدا با خرسندی فرمودند: "بسیار خوب، شما هر دو نفر شایستگی لازم را دارید. اما چه چیزی به عنوان مهریه در نظر گرفته‌ای؟" آن مرد جوان عرض کرد: "چیزی ندارم که قابل باشد." حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - فرمودند: "بهتر است به خانه بروی تا شاید چیز مناسبی بیابی و به عنوان مهر به این خانم تقدیم نمایی." آن مرد جوان به خانه‌اش رفت و برگشت و گفت: "ای رسول خدا، بدانید که در خانه‌ام چیز با ارزشی پیدا نکردم که به عنوان مهر تقدیم ایشان کنم." پیامبر فرمودند: "بهتر است باز هم بروی و بگردی. شاید چیزی به عنوان مهر پیدا کنی. اگر یک انگشتر آهنی

لباس‌های گوناگون، هزینه‌های سنگین جشن‌های عقد و عروسی و سرمایه‌اجاره، رهن و یا خرید مسکن، بارداری و تربیت فرزند و ده‌ها مسأله دیگر خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی ملازم و همراه می‌دانند و در نتیجه مسأله ازدواج، این پیوند عرشی و هم‌پوشی فطری، همچون مشکلی عظیم فرارویشان قرار می‌گیرد. اما همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، اصل زوجیت مستقل از فرایند عروسی و تشکیل خانواده و فرزندآوری است و غالب هزینه‌های مترتب بر امر ازدواج کاملاً غیر لازم و غیر ضروری است. اگر خانواده‌ها در فکر سلامت و آرامش روان جوانان در آستانه ازدواج خود هستند باید همواره در این اندیشه باشند که چگونه فرزند جوان ایشان می‌تواند بدون آن که متحمل هزینه‌های غیر لازم و بعضاً زاید شود زوج خود را بیابد و با او پیمان زوجیت و عقد هم‌دلی و همراهی ببندد. آخر چرا باید امر زوجیت دختر و پسر با کفایت، متعهد و مسؤولیت‌پذیر به دلیل تصورات و اندیشه‌های نادرست، درخواست‌های ناپسند خانواده‌ها و توقعات بی‌مورد اطرافیان، مقرر داشتن مهریه‌های بی‌اساس، برپایی مراسم و جشن‌های پرهزینه، اصرار بر مسکن مستقل و مجزا و لوازم مدرن زندگی به تحویق بیفتد؟ در حالی که همه اندیشه و هم‌بزرگ‌ترهای خانواده باید در این جهت باشد که چگونه دو دختر و پسر مؤمن و متعهد با فکری پویا و مولد و رفتاری شایسته و مسؤولیت‌پذیرانه می‌توانند با حداقل امکانات مادی و اقتصادی با هم عقد زوجیت ببندند و حیات مشترک خود را - ولو این که چند ماه و چند سالی محروم از مسکن مستقل و جداگانه باشند - با دلی پر از امیدونشاط و فکری پویا آغاز کنند.

آن مرد جوان پاسخ داد: "آری، می‌توانم." آن گاه رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - در حضور جمع کثیری از اصحاب و یاران، با توجه به نیاز فطری آن مرد و زن جوان به ازدواج و به رغم فقر اقتصادی و همه کمبودها و کاستی‌ها و با امید به فضل و رحمت واسعة الهی فرمودند: "بسیار خوب، ای مرد، این زن جوان را به عقد زوجیت تو در می‌آورم و مهر او این باشد که توبه او قرآن تعلیم بدهی." آن مرد از سویدای دل قبول کرد و خدای را سپاس گزارد.^۶

اندکی تأمل در مورد این روایت و تجسم آن مجلس پرشکوه و جاری شدن عقده ازدواج بین زوج جوان و طالب زوجیت توسط پیامبر حق، محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله - گوشه‌ای از فرهنگ و ارزش‌های زیبای الهی را در ارتباط با ازدواج روشن می‌سازد. این ازدواج در نهایت سادگی و فقر اقتصادی زوج جوان و در نهایت غنای معنوی در عصری صورت می‌گیرد که در میان بسیاری از مردم تفاخر و تکاثر، برتری جویی، فزون‌طلبی و مال‌اندوزی به عنوان یک عادت مرسوم قومی و فرهنگ رشد نایافته بومی رواج داشت، اما در این ازدواج به جای مادیات، پول و سکه‌های رایج، یک ارزش فرهنگی، یعنی آموزش قرآن و انتقال آموزه‌های ارزشمند به عنوان مهر تعیین می‌شود، مهری که از صمیم دل پذیرفته و تقدیم می‌شود. این همان مهری است که حکایتگر مهر و محبت مرد جوان نسبت به همسر آینده خویش است. مهری که مرد می‌توانست تعهد کند و به راحتی از عهده آن برآید. اما متأسفانه امروزه بسیاری از مهریه‌های تعیین شده

هم بیاوری، کافی است." آن مرد جوان بار دیگر به خانه رفت و برگشت و گفت: "انگشتر آهنی هم در خانه ما پیدا نمی‌شود! من حاضرم همین جامه‌ای را که به تن دارم مهر این خانم نمایم." یکی از اصحاب که او را می‌شناخت گفت: "یا رسول الله، به خدا این مرد جامه درخوری غیر از این جامه ندارد. پس نصف این جامه را مهر این زن قرار دهید." پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - فرمودند: "اگر نصف این جامه مهر زن باشد، کدام یک آن را بپوشند؟ هر کدام آن را بپوشند، دیگری بی‌جامه می‌ماند. خیر، این پیشنهاد عملی نیست." آن مرد جوان با اشتیاق فراوان به ازدواج در جای خود نشست و آن زن جوان و آماده ازدواج نیز در جای دیگری آرام گرفت. بعد از لحظاتی سکوت و ادامه بحث، مرد جوان و خواستار زوجیت با ناامیدی برخاست و آماده خارج شدن از مجلس شد. اما رسول اکرم، که درود خدا بر او باد، او را صدا زدند و فرمودند: "ای جوان به نزد من بیا." آن مرد جوان با دلی پرشور و دلی آرزومند در مقابل رسول خدا حاضر شد و پیامبر - صلی الله علیه و آله از او پرسیدند: "آیا می‌توانی قرآن تلاوت کنی؟" آن مرد جوان پاسخ داد: "آری، ای رسول خدا، چند سوره از سوره‌های قرآن را به خوبی می‌دانم." رسول خدا پرسیدند: "آیا می‌توانی سوره‌هایی را که یادگرفته‌ای از حفظ قرائت کنی؟"



متقبل می‌شود که به زن بپردازد و نه آن که بی‌پروا و بی‌اساس مهریه‌ای را ثبت کنند تا فقط در عقد نامه به یادگار بماند.

عاری از حقیقت و عمدتاً برای تظاهر، خود فریبی و چشم و هم چشمی است. حال آن که در منظر فرهنگ اسلامی مهریه چیزی است که مرد به یقین

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- در پایان سنین ۱۸ تا ۱۹ سالگی رشد سلول‌های مغز متوقف می‌شود. به عبارت دیگر رشد سلول‌های مغز از بدو تشکیل نطقه تا حدود ۱۸-۱۹ سالگی ادامه می‌یابد و پس از آن اندازه سر تقریباً ثابت می‌ماند و در سطح مغز شبکه‌های عصبی به تدریج کامل‌تر می‌شوند.
- ۲- دربارهٔ اختلاف سنی پسرها و دخترها در ازدواج و مطلوب‌ترین سن باروری و فرزندآوری در بخش دیگری بحث خواهد شد.
- ۳- هُنْ لِبَاسٍ لَکُمْ وَاَنْتُمْ لِبَاسٍ لِهِنَّ (سوره بقره)
- ۴- به طور کلی اگر همهٔ جوانانی که ازدواج می‌کنند با نگاهی منصفانه وضع اقتصادی خود را بررسی کرده، آن را با شرایط قبل از ازدواج و دوران تجرّد مقایسه نمایند، بدون تردید اذعان خواهند داشت که مجموعهٔ داری‌ها و تعلقات ایشان، ولو ناچیز باشد، به طور قابل ملاحظه‌ای بیش از دوران مجردی است.
- ۵- سوره نوره، آیه ۳۲.
- ۶- این روایت در بسیاری از کتاب‌های اهل تسنن و تشیع با تفاوت‌های اندک آمده است و در این جا این مطلب از کتاب "نظام حقوق زن در اسلام"، تألیف استاد بزرگوار و فیلسوف عالی قدر، شهید مطهری اقتباس شده است.

قابل توجه اولیا، مربیان و مدیران محترم مدارس

مقرر است از این پس صفحاتی از مجلهٔ پیوند به انعکاس نظریات اولیا، مربیان و مدیران محترم مدارس در مورد عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان اختصاص یابد. بدین وسیله سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان آمادگی خود را برای دریافت موارد مذکور اعلام می‌نماید. بی‌شک توصیه‌های ارزشمند شما، ما را در دستیابی به اهداف انجمن اولیا و مربیان یاری می‌رساند.

دفتر جذب مشارکت‌های اولیا

سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان